

الهه کولایی، علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳، ۱۵۲ صفحه.

توسعه رابطه فدراسیون روسیه و اسرائیل به جهات گوناگون مورد توجه اسرائیل می باشد. از یک نگاه، توسعه روابط این دو کشور، به مسایل اقتصادی بخصوص در زمینه های کشاورزی، نفت و گاز مربوط می گردد و اسرائیل به نظر مثبت فدراسیون روسیه برای فعالیت بیشتر در آسیای مرکزی نیاز دارد و نگاه دوم مسایل سیاسی است که اساساً ادامه نگرانی ها و درگیری ها بین قدرتهای منطقه ای و جهانی می باشد. از طرفی شرایط بالقوه گرایش به اسلام گرایی در فدراسیون روسیه و توانایی اتمی این کشور جزو دیگر ملاحظات است. اسرائیل با اندیشه ایفای نقش قدرت منطقه ای در خاورمیانه نیاز به رابطه با فدراسیون روسیه نیز دارد و از این طریق اهداف خاصی را دنبال می نماید. در عین حال، این رابطه نمی تواند به مناسبات مسکو - تهران و مسکو - آنکارا (چون ترکیه و ایران دو قدرت منطقه ای فعال و رقیب در آسیای مرکزی می باشند) بی ارتباط باشد. منظور اسرائیل از توسعه روابط با فدراسیون روسیه نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در زمینه های سیاسی و همکاری های بیشتر جهت جلب رضایت روسیه در مورد فعالیتهای خود در منطقه خاورمیانه و نیز آسیای مرکزی می باشد. کتاب علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل ابعادی دیگر از این مناسبات را بررسی و مطالعه می نماید.

برای اشراف بیشتر بر موضوع کتاب مذکور لازم است روابط دو کشور از نظر تاریخی و از زمان استقلال اسرائیل بررسی گردد:

### سابقه روابط دو کشور

سابقه روابط دو کشور اسرائیل و فدراسیون روسیه به سه دوره تاریخی مجزا قابل تفکیک است:

۱. قبل از روی کار آمدن گورباچف و از سال ۱۹۴۸ که اسرائیل بنیاد یافت. در بیشتر طول این دوره، شوروی موضعی خصمانه در قبال اسرائیل اتخاذ کرد.

۲. دومین دوره مربوط به زمان گورباچف تا زمان فروپاشی شوروی می باشد. در این دوره سیاست خارجی شوروی در قبال اسرائیل بسیار تغییر نمود و در سال ۱۹۹۱ روابط سیاسی کامل بین دو کشور برقرار و سفیر بین طرفین مبادله شد. همچنین، به یهودیان روسیه اجازه داده شد تا مهاجرت دسته جمعی به اسرائیل داشته باشند. روابط فرهنگی بین اسرائیل و فدراسیون روسیه نیز افزایش یافت. همچنین، مناسبات توریستی و تجاری گسترش پیدا نمود. از طرف دیگر، در بُعد سیاسی، در دوره گورباچف، شوروی مصرانه از کشورهای عرب و فلسطینی ها می خواست تا اختلافاتشان را با اسرائیل از طریق سیاسی حل کنند نه از راه جنگ.

۳. سومین مرحله با فروپاشی شوروی آغاز شد و در این مرحله اسرائیل علاوه بر توسعه روابط با فدراسیون روسیه، به عنوان یک قدرت منطقه ای نیز وارد صحنه رقابت در آسیای مرکزی گردید. بطور کلی اساس سیاست اسرائیل در رابطه با فدراسیون روسیه را باید در چارچوب استراتژی کلان خاورمیانه ای این دولت جستجو نمود.

برای بررسی دقیق تر کتاب علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل بخشی از مقدمه آن که مضمون کتاب را توضیح می دهد آورده می شود:

«توسعه روابط فدراسیون روسیه با اسرائیل یکی از برجسته ترین تحولات در سیاست خارجی این کشور پس از فروپاشی اتحاد شوروی می باشد. اتحاد شوروی که از تشکیل دولت یهودی در سرزمین فلسطین حمایت مؤثر و جدی به عمل آورده بود بزودی در چارچوب

ملاحظات نظام دوقطبی و جنگ سرد، اسرائیل را در اردوگاه سرمایه‌داری و عامل آمریکا در خاورمیانه یافت. تقاضای دولت اسرائیل برای رفع محدودیت در مهاجرت یهودیان به اسرائیل یکی از مهمترین عوامل دگرگونی در روابط دو کشور ارزیابی می‌شد. در طول دوران اتحاد شوروی تا سالهای پایانی آن که تفکر جدید گورباچف سیاست خارجی این کشور را تحت تأثیر جدی قرار داد، روابط اتحاد شوروی با اسرائیل همواره درگیر سردی قابل توجهی بود.

اتحاد شوروی بطور گسترده‌ای حمایت از کشورهای عرب را در مناقشه آنان با اسرائیل دنبال می‌کرد. در پرتو اجرای اصلاحات غرب‌گرایانه در سیاست خارجی گورباچف این سیاست تغییر کرد. در طول دوران اتحاد شوروی رهبران این کشور همواره تحت تأثیر فشار شدید تبلیغاتی غرب، برای نحوه برخورد با یهودیان در این کشور قرار داشتند. آژانس بین‌المللی یهود و کلیه نهادهای صهیونیستی در طول دوران اتحاد شوروی از دوران استالین، روسی‌سازی همه ملیت‌ها و پیروان همه مذاهب از جمله مسلمانان و یهودیان را هدف قرار داده بود. در حالی که یهودیان اتحاد شوروی در چارچوب مباحث سران اتحاد شوروی و غرب بویژه آمریکا، همواره محور مباحث حقوق بشر قرار داشتند. در این زمینه اقدامات وسیعی علیه اتحاد شوروی سازمان داده شد تا در مهاجرت یهودیان به اسرائیل تسهیلات بیشتری ایجاد شود.

جهت‌گیری‌ها و روابط اتحاد شوروی با اسرائیل در طول دوران یاد شده بر اساس نگاه تعارض‌آمیز حاکم بر این کشور در برابر غرب شکل می‌گرفت. کلیشه‌های دوران جنگ سرد روابط شوروی با اسرائیل را مشخص می‌ساخت. جنگ‌های اعراب و اسرائیل در این روابط نقش مؤثری داشت. در جریان تحول در مناقشه اعراب و اسرائیل که با صلح مصر و اسرائیل آغاز شد، اتحاد شوروی تلاش کرد جایگاه اثرگذار خود را حفظ نماید.

موضوع اصلی این کتاب یعنی تحولات روابط روسیه و اسرائیل پس از فروپاشی، با نگاهی به پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران است. چرا روابط دو کشور پس از فروپاشی گسترش یافت؟ علل اجتماعی - اقتصادی - سیاسی این تحول چه بود؟ این تحول با توجه به سیاست تعارض‌آمیز اسرائیل و ایران و اساساً نفی موجودیت آن از سوی جمهوری اسلامی ایران، در

چارچوب روابط روسیه و جمهوری اسلامی ایران چه پیامدی را برای کشور ما در بر داشته است؟ این سئوالات محور مباحث اصلی کتاب را تشکیل داده، که طی سه فصل تلاش شده به آنها پاسخ داده شود.

در فصل اول، وضعیت و جایگاه یهودیان در روسیه، قبل و بعد از انقلاب اکتبر مورد بررسی قرار گرفته و تحول در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی - سیاسی آنان مطرح گردیده است. در فصل دوم، روابط اتحاد شوروی و اسرائیل از بدو شکل‌گیری دولت یهود در اراضی اشغالی، تا پایان دوران اتحاد شوروی بررسی شده است.

در فصل سوم که بخش اصلی این کتاب را تشکیل داده، علل و پیامدهای توسعه روابط اسرائیل با روسیه مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده بطور اجمالی روند توسعه روابط دو کشور و ابعاد آن با توجه به چگونگی روابط فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. همچنین نقش و جایگاه یهودیان در روسیه نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در این کتاب روند تحولات روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل تا مقطع وقایع ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) مورد بررسی قرار گرفته است. بی‌تردید این واقعه و حوادث پس از آن که جهان را تحت تأثیر قرار داده، بر اولویتهای سیاست خارجی فدراسیون روسیه نیز اثر گذار بوده است. به انضمام مطالب یاد شده مقاله «تحول در سیاست خاورمیانه روسیه» برای درک بهتر تحولات اخیر در روابط ایران و روسیه ارائه شده است.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل رابطه ندارد و به قول بعضی از مسئولان روسیه، روابط جمهوری اسلامی ایران با فدراسیون روسیه استراتژیک بوده و دارای گستره وسیع اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی است بررسی روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل اهمیت بسیار پیدا می‌نماید. بویژه که این امر با مسایل و منازعات خاورمیانه نیز پیوند مستقیم دارد. لازم به ذکر است مطالعه کتاب مذکور، به شناخت بهتر بُعدی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک می‌نماید.